



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۱/۲۹

پوهاند بشیر احمد زکریا

ترجمه: رحمت آریا

تصادم دیموکراسی ها و اتوکراسیها

(قسمت بیست ششم)

فصل دهم

ساختار های معاصر برای دیموکراسی ها

دیموکراسی ها باید با تکامل جوامع تکامل یابند

اصطلاح «تکامل» برای اکثر مردم « تیوری تکاملی داروین» (رشته مؤلف) را تداعی می کند. در این بحثی از تکامل شخصیت انسان و جامعه، منظور از «تکامل» به معنی تغییر مستمر در شخصیت فرد و جامعه است که بطور ثابت در طول زمان با تغییر محیط و شرایط رخ می دهد. از دهه ۱۸۰۰م به بعد دانش فزاینده ای در علوم رفتاری انسانی بوجود آمد که به نام های «جامعه شناسی تکاملی»، «روانشناسی تکاملی» و «ایکولوژی رفتاری انسان» یاد میشوند. مبانی تیوریک آنها «مودل ستندرد علوم اجتماعی [1]» نامیده میشود. این مودل این فرض را ایجاد می کند که «رفتار» خودش تقریباً بطور کامل توسط خصوصیات مختلف اجتماعی و فرهنگ رفتاری تعیین می شود. نسخه دیگری که می توان آنرا «تیوری نقش [2]» نامید و اخیراً به نام تیوری «ساخت گرایي اجتماعی» نامیده شده توسط جامعه شناسان و انتروپولوجیست ها مطرح شده است. درک ما این است که نگرانی ما از تکامل دیموکراسی به عنوان میکانیزم حکومت داری در یک جامعه، در محدوده وسیع «فرهنگ» قرار می گیرد. فرهنگ توسط جامعه شناسان به این صورت تعریف شده است: «هنر ها یا شیوه زندگی در کل مرتبط بیک گروپ است و به باور های اشاره دارد که مردم در رابطه با «حقیقت» دارند، عبارت از نورم های اند که رفتار و کردار شان را هدایت می کنند، عبارت از ارزشهای اند که تعهدات اخلاقی شانرا جهت می دهند؛ یا سبمولی است که از طریق آن این باور ها، نورم ها و ارزش منتقل میشوند.» [3] درک ما از فرهنگ مجموع از باورها، ارزشها، نورمها، رسوم، الگوهای رفتاری و هنر های است که توسط یک جامعه خاص در هر سرزمینی که ممکن است واقع شده باشد، ایجاد شده است. موضوع «دیموکراسی» که بخشی از فرهنگ است باید در معرض تحول و تغییر باشد. در این جا این سؤال مطرح میشود که آیا تکامل داروینی یک تغییر تصادفی (بصورت چانس) است که در کنار مبارزه برای بقا،

1 - Standard Social Science Model (SSSM)

2 - Role Theory

3 - Oxford Bibliographies, 2011

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

سازگاری بقاء و انتخاب طبیعی، به عنوان قوانین طبیعی یک جهت ذاتی هم دارد؟ اگر تکامل بدون هیچ جهتی و بدون هیچ هدفی تصادفی باشد پس ما باید در یک جامعه پر هرمرج زندگی کنیم که بدتر از سلطنت جهان حیوانات باشد، چنان یک جهان پر هرج و مرجی که ملت ها که در آن هرگز نهاد های به نام سازمان ملل متحد، WHO هزاران نهاد های انسانی و بشر دوستان را نمی داشتیم. ما در نهایت بدون امید به آینده ای بهتر برای بشریت، در یک جهان کاملاً آشفته و در یک کیهان کاملاً آشفته بر سر می بردیم! داروین آنرا به طور کامل شناسایی و توضیح داد که با توسعه بشریت، مزایای همکاری بر مزایای رقابت بیشتر شد. بنابر این ممکن است بقای مناسب ترین ها توسط انتخاب طبیعی قابل کاهش نباشد. با این حال من تا هنوز به داروین باور دارم.

الف : تکامل جوامع و دیموکراسی ها

در اینجا نمی خواهیم وارد بحث های فلسفی و کیهانی «تئوری آشوب [4]» و ایده ها در باره بغرنجی ذاتی و غیر قابل پیشبینی بودن شویم که اکنون نادرست بودن شان ثابت شده است؟ «پارادوکس» های وجود دارند، «فیزیک الهیات [5]»، «علت هوشمندانه افلاطون [6]»، «نظم الهی [7]»، یا «طراحی هوشمندانه [8]» که همه شان به عنوان «برهان تیلولوجیک [9]» کنار گذاشته شده اند. بیایید ببینیم حقایق تاریخی باستان شناسی و مردم شناسی به ما چی می گویند:

ب : پیدایش و خروج انسان از افریقا

در ذیل شما سیر تکاملی انسان را مطابق با تئوری داروین مشاهده می کنید :

استرالوپیتیکس	Australopithecus	=	از ۴ تا ۴.۳ میلیون سال قبل (میلیون سال قبل)
اچ. هبیلیس	H. habilis	=	از ۱.۸ تا ۲.۳ میلیون سال قبل (میلیون سال قبل)
هومو ایرکتس	Homo erectus	=	۱.۸ میلیون سال قبل (میلیون سال قبل)
اچ. هیلدبرجنسیس	H. heidelbergensis	=	۴۰۰ تا ۶۰۰۰۰ (میلیون سال قبل)
هومو سی پینز نیندر تالسیس	Homo sapiens neanderthalensis	=	۲۵ - ۳۰۰۰۰ انقراض (هزار سال)
هومو سی پینز (ایتوپیا)	Homo sapiens (Ethiopia)	=	۵۰ تا ۶۰ هزار سال قبل

تصور میشود که (جین خروج یا هجرت [10]) (نین در تال ها [11]) از طریق یک دهلیز باریک بین شمال شرق افریقا به سمت اروپا ، اندونزی، پاپوا [12] نیوگینیای، استرالیا، چین، شمال شرق سایبریا از طریق بیرینگ [13]، الاسکا، شما و جنوب امریکا، آسیا و استرالیا = ۴۰ سال قبل سفر کرده است.

4 - Chaos Theory

5 - Physics-theology

6 - Plato' Intelligent Cause

7 - Devine Order'

8 - Intelligent Design

9 -Teleologic Argument

10 - EXODUS gene

11 - Neanderthals

12 - Papua New Guinea

13 - Bering

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

اروپا	~	۳۵ هزار سال قبل
سایبریا الاسکا	~	۱۵ - ۲۰ هزار سال قبل (عصر حجر قدیم فوقانی)
امریکای جنوبی	~	۱۰ هزار سال قبل (انفجار فرهنگی)

اکثر مردم در سراسر جهان با «تیوری تکاملی» داروین موافق نیستند، زیرا نمی‌توانند بپذیرند که اجدادشان میمون بوده‌اند. برای آنها غیر قابل تصور است که اجدادشان میمون بوده‌اند، در حالی که از لحاظ انتروپوچی، اصل و نسب یا نیاکان، پایه اعتقادات مذهبی و فرهنگی سنتی به عنوان پاسخ آنها به این سؤال جهانی است که «ما کیستیم؟» است، (خاستگاه نوع بشر چیست؟) بنابر این یافتن تنها یک زنجیره انتروپولوژیک - باستان‌شناسی از مواد انسان نما های اولیه با شگاف های بزرگ غیر قابل توضیح کافی نیست تا آنها را متقاعد کنیم که کمی بهتر از حیواناتی اند که حیوان رام ناشدنی در اعماق آنها کمین کرده و با غرایز حیوانی خود آنها را کنترل می‌کند، آنها را از تکامل بیشتر ذهن شان باز می‌داند و سد راه تکامل میتافیزیکی انسان بودن شان میشود! دیگر چیزی جز قوانین غار یا جنگل برای آنها تصور نمی‌شود. مهمتر از آن بایولوژیست های اجتماعی و روان شناسان تکاملی توافق دارند که طبیعت انسان، بدون توجه به بایولوژی اجتماعی حیوانی، پایه و تهداب اکثر رفتار های انسانی است. [۱۴]

ج : تکامل دیموکراسی به عنوان بخشی از تکامل انسان

۱	دیموکراسی های آتن و روم	۵۰۰ - ۴۰۰ ق.م.
۲	کانفدراسیون سویس	۸۰۰ م تا ۱۸۱۵ میلادی = تا حال
۳	جمهوریت ایتالیا	۱۲۰۰ - ۱۵۰۰ میلادی
۴	شاهی مشروطه انگلستان/ کامنولت	۱۶۴۹ تا دهه ۱۷۰۰ م
۵	دیموکراسی جمهوری امریکایی	۱۷۷۶ تا حال
۶	اولین جمهوریت فرانسه	۱۷۸۹ تا ۱۸۰۵
۷	پنجمین جمهوریت فرانسه	۱۹۴۷ - ۱۹۵۸
۹	دیموکراسی های پسا استعماری	۱۹۴۷ - ۲۰۰۲؟
۱۰	دیموکراسیهای بعد از انحلال شوروی	۱۹۹۲ - ۱۵ دیموکراسیهای مورد مناقشه

همانطوریکه ممکن است حدس بزنید که دیموکراسی ها در طی ۲۶۰۰ سال در اول از تعداد بسیار اندک (آتن و روم) شروع شد تا اینکه به تعداد دیموکراسی های مختلط موجود رسید، و اکنون در لیست دیموکراسی (اندازه گیری وضعیت دیموکراسی) ۱۶۷ کشور وجود دارد که از میان آنها ۱۶۴ کشور عضو سازمان ملل متحد اند، و به آرامی به سوی پروسه انتخاباتی بیشتر و بیشتر، کثرت گرایی و آزادی های مدنی پیش میروند. خوشبین ها می گویند: «تکامل مسلم و قطعی به سوی آزادی های فردی و اجتماعی، عدالت، برابری برای ملت های شاد تر و خوش تر و پر امن تر وجود دارد.» همه ما بطور عام باور داریم که دیموکراسی ها تا حدودی به نگرانی های اصلی بشر که ما و شما آنرا زندگی، آزادی و جستجوی خوشحالی می دانیم نزدیکتر شده اند. من باورمندم که بشریت پیوسته و به تدریج به سمت بیشتر جهانی شدن، درک بیشتر و آرزوی وحدت آینده بشریت و صلح جهانی در حرکت است.

14 - Sanderson, Stephen K. Human Nature and the Evolution of Society. Taylor & Francis Group; Westview Press: New York, London. 2014.

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليولو مخکې په څير و لولئ

دوم: وحدت ملی و مدرنیته برای تکمیل دیموکراسی امریکایی

الف: وحدت ملی

قبل از اینکه ما در جستجوی راه حل یا علاج آن باشیم نخست باید تشخیص دهیم که علل عدم اتحاد در جامعه امریکایی چیست؟ بیایید سعی کنیم تا آنها را با توجه به فوریت آنها برای رفع نمودن بر شماریم:

- ۱) اختلاف نژادی
 - ۲) افراط گرایی مذهبی
 - ۳) جدایی فرهنگی
 - ۴) شکاف بزرگ تحصیلی که (سطوح مکاتب ابتدایی و کالج ها و یا تحصیلات عالی را کاهش میدهد)
 - ۵) تقسیم ثروت زیاد (خیلی غریب و خیلی ثروتمند)
 - ۶) افراط گرایی احزاب سیاسی و ناتوانی در سازش – (بُن بست و افلیچ قبیله گرایی)
 - ۷) (کمیته های اقدامات سیاسی (PAC) و غیره) با جاه طلبی های غیر منطقی
 - ۸) افزایش نارضایتی عمومی مردم از مقامات فدرالی و ایالتی خود
 - ۹) ظهور جهانی «جبر گرایی»، «نسبی گرایی» و «نهیلیزم» و همچنان در سراسر امریکا
 - ۱۰) افزایش قدرت و کنترل رسانه های اجتماعی توسط شرکت های غول پیکر (نیاز به اقدامات ضد اعتماد دارند)
 - ۱۱) رشد گسترده مداخله خارجی با (کمیته های اقدامات سیاسی PAC) شان، شبکه های انترتی- استخباراتی، افزایش مالکیت عقار (املاک) توسط دول خارجی تحت نام های اشخاص منفرد برای اعمال نفوذ در امور داخلی ایالات متحده امریکا
 - ۱۲) تضعیف پیوند های خانوادگی
 - ۱۳) کاهش غرور ملی
 - ۱۴) تبلیغات مداوم، رسانه های اجتماعی و شبکه های باج خواهی – سایبری و سیاسی و سائر حملات سایبری توسط حکومت خود کامه بالای دولت های دیموکراتیک که آنها را به سوی هرج و مرج سوق می دهد.
 - ۱۵) دوره خدمت طولانی قضات ستره محکمه، کانگرس، والیان و غیره منجر به ایجاد مراکز افزایش قدرت و انحصار میشود.
- ممکن است از دیدن این لیست طولانی تعجب کنید و بگویید: «از کجا می توانیم شروع کنیم و چگونه می توانیم بر آنها غلبه کنیم؟» ممکن است حق با شما باشد! اما لطفاً نگاهی به تأریخ جمهوری امریکا و دیموکراسی امریکا بیندازید.

در جریان جنگ استقلال امریکا در سال ۱۷۷۶م بسیاری از ملت ها مبارزه خود را نا امید کننده تلقی میکردند و هیچ کس روی موفقیت این جنگ شرط نمی بست! مردم امریکا در مواجهه با بزرگترین امپراتوری تأریخ، امپراتوری برتانیه، با بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی در برابر نفوس نسبتاً کم و زراعت پیشه که بطور گسترده در یک بیابان بزرگ، بدون ارتباطات زیاد و بدون ثروت پراکنده بودند، پدیده ای را ایجاد کردند که قبلاً دیده نه شده بود و در آن «قلم قدرتمندتر

د پانو شمیره: له 4 تر6

از شمشیر» بطور مسلم ثابت شد. این ضرب المثل پر معنی توسط نویسنده انگلیس «ادوارد بولور لیتن»^[15] در سال ۱۸۳۹م ایجاد شد که نشان می دهد کلمات و ایده های نوشته شده، ابزار مؤثری برای ارتباط و اتحاد، به دور یک «ایده ذاتی»^[16] قدرتمندتر از اردو های نظامی و خشونت های و رعب آفرین اند. به تعبیر دیگر کلمات نوشتاری مانند اعلامیه استقلال و درد «حس مشترک» با ضرب المثل «یا مرگ یا آزادی»؛ چنین سخنانی که ملامت با احساسات نجیب و شریف باشند، قدرت غیر قابل تصویری برای اقدامات، برای تغییر و برای اتحاد یک ملت در هر سطح ساختار اداره وی آن بشمول رسانه های مستقل که در یک دیموکراسی متعادل و پایدار پایه چهارم آنرا را تشکیل می دهند می داشته باشد. که در نمایشنامه بولور^[17]، «ریشلیو» یا «توطئه» به این صورت است :

آیا این درست است! — که
تحت سلطه حکومت مردان کاملاً بزرگ
قلم توانا تر از شمشیر است. دیده باشی
عصای جادوگر را! —^[18]

تفسیر این قلم از این شعر این است : آن قلمی که نوشته است : « همه انسان ها توسط خالق شان برابر آفریده شده اند و برخی حقوق غیر قابل انکار توسط پروردگار به آنها اعطاء شده است، از جمله حق زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی» این کلمات قوی تر از شمشیر بودند که با همان صلابت تا حال همانگونه استوار باقی مانده اند، زیرا هنوز می توانند انرژی غیر قابل درک آگاهی انسان را روشن کند تا مانند آتشفشانی در دفاع یا ایجاد ایده های جهانی مانند دیموکراسی فوران کند.

جالب تر اینکه «تامس جفرسن» در سخنرانی افتتاحیه ساختمان کتابخانه کانگرس در سال ۱۸۷۹م آنچه را که در دیوار داخلی آن حک شده بود با صدای رسا و بلند خواند : «قلم نیرومند تر از شمشیر است».

به نظر نویسنده، مقدمه «تامس جفرسن» در مورد «اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکا» اولین و بزرگترین اثبات ضرب المثل «بولور» است. این نه تنها شکست امپراتوری برتانیه توسط دیوید (داوود) ضعیف دنیای جدید بدون سنگ یا شمشیر بود بلکه با قدرتمند ترین ایده ای بود که برابری و یگانگی ذاتی بشری را اعلام کرد. بشر برای سالیان متمادی به آسمان پر ستاره نگاه کرده و اغلب می پرسید : «هدف از خلقت ما چی بود؟» فیلسوفان، حکیمان و بزرگترین دانشمندان نتوانسته اند به این سؤال پاسخ دهند که هدف از «وجود» ما چیست؟ آنها برای پاسخ به سؤالات ذیل تلاش کرده اند ولی برای ما کافیسیت تا در مورد آنها فکر کنیم :

۱) آیا در خلقت زندگی هدفی وجود دارد؟

15 - Edward Bulwer-Lytton

16 - Innate Idea

17 - In Bulwer's play 'Richelieu' or 'The Conspiracy'

18 - Zikria, B.A. Spencer, J.L., Kinney, J.M., and Broel, J.R. Alterations in ventilatory function and breathing patterns following surgical trauma. Ann. Surg. 179: 1-12, 1974

۲) هدف انسانیت چیست؟

۳) هدف از یک جامعه انسانی چیست؟

۴) آیا در ایجاد خط شیری، منظومه شمسی و سیاره زمین و انسان به عنوان سرور آن، هدفی وجود داشت؟ به ما گفته شده که تمام سوالات فوق قابل پاسخگویی نیستند زیرا آنها حوادث تصادفی طبیعت هستند. آنها آزمایش های کوری هستند که ساینس و تکنالوژی تا حال نه توانسته به آن پاسخی بیابد و تمام امید ها برای آینده بشریت به زنجیر یک ستاره در حال مرگ بسته شده اند!

برای سوالات فوق ما پاسخ مستقیم، ساده و یا عمیق نمی یابیم غیر آنچه که در پنج سطر اول پاراگراف دوم اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکا آمده اند :

«ما این حقایق را بدیهی می دانیم که همه انسان ها برابر آفریده شده اند و برخی حقوق غیر قابل انکار توسط پروردگار به آنها اعطاء شده است، از جمله سائر موارد، حق زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی است. — اینکه برای تأمین این حقوق دولت های در میان مردم ایجاد می شوند که اختیارات عادلانه خود را از رضایت حکومت شونده می گیرند — هرگاه هر شکلی از حکومت، مخرب این اهداف شود، حق مردم است که آن را تغییر دهند یا لغو کنند.»

من فکر می کنم که فلسفه ای که در عقب این سه کلمه «زندگی، آزادی و شادی» نهفته است در بین این سیاره منفرد به زندگی ما هدف می دهد و به عنوان نتیجه گیری در پسگفتار مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ب : موازنه دیموکراسی ریفراندم و دیموکراسی نماینده

همانطوریکه در «بخش سوم، فصل پنجم» در مورد ریفراندم مستقیم سویس بحث کردیم؛ در فصل «هشتم، ششم و هفتم» شایستگی های مودل دیموکراسی سویس و پیشنهادات متخصصان را دیدیم که چگونه حکومت ایالات متحده امریکا می تواند راه بهتری را مورد ملاحظه قرار بدهد یا می یابد تا برخی از نقاط ضعفی را که در حکومتداری امریکا رخنه کرده است رفع نماید. برخی از تغییرات تکاملی و شرایطی در دیموکراسی امریکایی به دلیل پیشرفت های فوق العاده در علم و تکنالوژی و همچنین گذشت زمان، شرایط در حال تغییر و مهمتر از همه پویایی فرهنگ دائماً در حال تحول جامعه امریکا به عنوان یکی از مترقی ترین جوامع، اجتناب ناپذیر بودند.

بقیه دارد

ج : پیشنهادات برخی از متخصصین برای به حد کمال رساندن دیموکراسی امریکا



آرشیف: مقالات پوهاند بشیر احمد زکریا

د پانو شمېره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ